

مطبوعات و خلیج فارس

بررسی جایگاه مطبوعات در مطالعات خلیج فارس

امیر هوشنگ انوری

مطبوعات یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مدنی در زندگی بشر است و بیهوده نیست که آن را در دنیای مدرن رکن چهارم مردم‌سالاری دانسته‌اند. دنیای کنونی که از آن به دهکده جهانی یاد می‌شود نیز با تکنولوژی نوینش نه تنها نتوانسته از ارزش مطبوعات بکاهد، بلکه به نوعی در خدمت آن درآمده است. اکنون می‌توان تصور کرد در زمانی نه چندان پیشتر از یک صد سال، که مطبوعات تنها وسیله ارتباط و اطلاع‌رسانی بوده است، این رسانه چه نقش کلیدی و پر اهمیتی را ایفا می‌کرده است. از همین روست که آن را از جمله منابع معتبر تاریخ‌نگاری و مطالعات جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی قرار داده‌اند.^۱

تحولات خلیج فارس از ابتدای عصر ناصری تا پایان دوره رضاشاه

پس از یک دوره ناآرامی که در پی سقوط صفویه (۱۱۳۵-۹۰۷ ق) در ایران رخ داد با روی کار آمدن افشاریه (۱۱۶۰-۱۱۴۷ ق) و زندیه (۱۲۱۰-۱۱۴۸ ق) و در ابتدای حکومت قاجار، اندک آرامشی در کرانه‌های شمالی خلیج فارس حکم‌فرما شد. در سال‌های مابین حکومت آقامحمدخان

(۱۲۱۱-۱۲۱۰ق) تا دوره ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۲۶۴ق)، به دلیل توجه والی فارس- حسینعلی میرزا فرمانفرما- و شکل‌گیری نهادهای جدید قدرت، که به گونه‌ای وابسته به حکومت مرکزی بودند، در جاده‌های پس‌کرانه‌ای بندر عباسی و بندر لنگه، امنیت و آرامش نسبی ایجاد شد.^۲

در نیمه دوم سده سیزدهم هجری یعنی از آغاز دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه تا انقراض قاجاریه، مهم‌ترین رویدادهای مرتبط با خلیج فارس را می‌توان بدین شرح برشمرد:

مسئله بندر عباسی و بازگشت آن تحت نظارت کامل قاجارها^۳، سقوط خاندان آل مذکور در بوشهر^۴، توسعه و ترقی بندر لنگه به عنوان یکی از سه بندر مهم تجاری منطقه، نخستین تلاش‌های ایران برای تأسیس قوای بحریه^۵، مسئله بحرین^۶، افول قدرت امامان مسقط در بخش‌های عمان متصل^۷، قدرت‌یابی خاندان سعود در سواحل خلیج فارس، شکل‌گیری امیرنشین‌های کوچک کویت و قطر^۸، حضور پر قدرت انگلیس و روس استعمارگر، حضور قدرت‌های جدید جهانی چون آلمان و فرانسه و اکتشافات نفتی در منطقه خلیج فارس.

هر یک از این رویدادهای مهم سرچشمه و مسبب بسیاری از حوادث و تحولات کوچک‌تر بوده‌اند و بر سیمای سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی سواحل خلیج فارس و مناطق کرانه‌ای و پس‌کرانه‌ای آن تأثیر گذاشته‌اند.

پس از انقراض قاجاریه، با قدرت‌یافتن حکومت مرکزی و، همچنین، برخی تحولات سیاسی و اقتصادی در کشور، وضعیت این مناطق شکل دیگری گرفت. اهم مسائل خلیج فارس بین سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ش به این شرح است: چالش‌های بریتانیا و ایران بر سر اروندرود، درخواست انگلیس از دولت ایران جهت ایجاد یک فرودگاه برای نشست و برخاست هواپیماهای خود، مسئله خط تلگراف بغداد- بمبئی، مسئله بحرین، مسئله جزایر ایرانی تنب بزرگ، کوچک و ابوموسی^۹، علاوه بر مشکلات ایران و بریتانیا، تقویت نیروی دریایی ایران و تشکیل ناوگان جنگی، افول امام مسقط و خارج شدن عمان از معادلات قدرت در خلیج فارس، و تحولات عمان متصل^{۱۰}، بحرین، کویت، قطر از جمله حوادث تأثیرگذار در نیمه اول سده بیستم میلادی به‌شمار می‌روند.



جایگاه مطبوعات در مطالعات خلیج فارس

با توجه به اهمیت ژئوپلیتیک همیشگی خلیج فارس در طول تاریخ ایران بی‌شک این آبراه، در فرایند شکل‌گیری حوادث و رویدادهای سیاسی و، مهم‌تر از آن، در سازوکار مناسبات اقتصادی ایران و منطقه تأثیر عمیقی داشته است. بسیاری از تحولات سرزمین ایران ریشه در تغییرات و تحولات خلیج فارس دارد. بیهوده نیست که دست‌کم طی چهار سده هر قدرتی که داعیه جهانی شدن داشته، در جستجوی ثروت و موقعیت سیاسی رهسپار خلیج فارس شده است - پرتغالی‌ها، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها، روس‌ها، و آمریکایی‌ها، هر یک به فراخور قدرت خود، روزگاری چند در این آبراهه به ماجراجویی پرداخته‌اند؛ به‌گونه‌ای که، همراه با مسائل بومی خلیج فارس، تاریخی بس پرفراز و نشیب را برای این خطهٔ ثروتمند جهان رقم زده‌اند. از این‌رو طبیعی می‌نماید که مسائل مربوط به خلیج فارس، در اسناد و مدارک حکومتی، کتاب‌ها و منابع گوناگون بازتاب یابد.

مطبوعات فارسی‌زبان در دورهٔ مورد مطالعه، حضور بسیار پررنگی در عرصهٔ اجتماع، سیاست و اقتصاد ایران داشته و خلیج فارس نیز، با توجه به اهمیتش صفحاتی از روزنامه‌ها را به خود اختصاص داده است. در مطالعهٔ حاضر، با توجه به کیفیت و کمیت مطالب درج‌شده در روزنامه‌های زیر، اطلاعات مربوط به خلیج فارس در آنها بررسی شده‌اند.

۱) **روزنامهٔ حبل‌المتین:** روزنامهٔ وقایع/تفاهیه احتمالاً نخستین روزنامه‌ای است که تحت عنوان «اخبار ولایات»، اخباری نیز مربوط به بوشهر، محمره [خرمشهر]، بندرعباس و ... را درج کرده است و وقتی سخن از مطالب روزنامه‌ها دربارهٔ خلیج فارس می‌رود، باید به روزنامهٔ وزین حبل‌المتین توجه کرد.

حبل‌المتین از جمله روزنامه‌های نادری است که سی و هفت سال در تاریخ مطبوعات فارسی‌زبان، در ایامی که روزنامه‌ها چون قارچ می‌رویدند و به‌سرعت از پای درمی‌آمدند، نقشی بسیار مؤثر و مفید ایفا کرد و، مدیریتش از این منظر جایگاه مهمی در مطبوعات ایران دارد.^{۱۱} حبل‌المتین را با توجه به نکات زیر می‌توان آیینۀ تمام‌نمای تحولات و اخبار اجتماعی - اقتصادی و سیاسی خلیج فارس دانست.

اول اینکه محل انتشار آن، کلکته، به سبب حضور قوی کمپانی‌ها، بانک‌ها و منابع خبری انگلیسی‌ها در هند، کانون اطلاعات روزگار خود بوده است: «وقایع‌نگاران *حبل‌المتین* وقایع خلیج فارس را هر هفته کاملاً به اداره اطلاع می‌دهند».^{۱۲}

علت دوم را باید در اهمیت خلیج فارس نزد انگلیسی‌ها و حضور نمایندگان کمپانی و بازرگانی آن کشور در منطقه دانست. این امر سبب انعکاس وسیع اخبار خلیج فارس در هند می‌شد. در این مورد هم، طبق نوشته *حبل‌المتین*، کلکته یکی از کانون‌های بزرگ و مهم اطلاع‌رسانی در جهان روزگار خود بوده است.^{۱۳}

سوم، مراوده و ارتباط وسیع مؤیدالاسلام با بازرگانان حوزه خلیج فارس به‌ویژه تجار بنادر بوشهر، لنگه و بندرعباس است.

چهارم ایجاد دفاتر نمایندگی روزنامه در بوشهر، بندرعباس و بندر لنگه که باعث ارتباط میان این مناطق و دفتر مرکزی روزنامه می‌شد. به همین دلیل، آثار قلمی اندیشمندان این نواحی با عناوینی چون «مکتوب از بوشهر»، «مکتوب از بندرعباس» و ... در روزنامه منعکس شده است. پنجم، اهمیت و اعتبار *حبل‌المتین* بود که توجه بسیاری از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و حتی سیاسیون را به خود جلب کرد.

ششم، در دوره مورد نظر و سال‌های پس از آن، در عصر شکوفایی چاپ فارسی در هند، در اکثر شهرهای مهم این کشور چاپ فارسی موجود بود. یک بررسی تقریبی نشان می‌دهد که تعداد چاپخانه‌هایی که به چاپ فارسی می‌پرداختند از صد مطبعه بالاتر بوده است که نشان از رونق روزنامه‌نگاری فارسی‌زبان در هند دارد.^{۱۴}

مطالعه تاریخ خلیج فارس، در سال‌هایی که *حبل‌المتین* به چاپ می‌رسید، بدون بررسی مطالب این روزنامه چندان مقرون به واقعیت نخواهد بود.

همچنین این نوشتار در نظر دارد تا مؤیدالاسلام کاشانی^{۱۵}، مدیر روزنامه را به عنوان نخستین خلیج فارس شناس ایرانی معرفی نماید. چرا که نوشته‌های وی به‌ویژه در سرمقاله‌های آتشینش از لحاظ تاریخی مقدم بر کتاب‌های سدیدالسلطنه است. مؤید الاسلام همان‌گونه که در شرح حال وی در همین کتاب آمده در سال ۱۳۰۵ق/۱۸۰۸م، با کسب اجازه از میرزای شیرازی، مجتهد



بزرگ، به بندرعباس رفت و در آنجا بود که با سید جمال‌الدین اسدآبادی آشنا شد. مؤیدالاسلام یک سال و نیم در صفحات خلیج فارس به سیاحت مشغول بود و اطلاعات و ارتباطات مناسبی در این نواحی به دست آورد.^{۱۶} از سوی دیگر می‌دانیم که مؤیدالاسلام در کلکته در امور مطبوعاتی بسیار فعال بوده است، چنان که حتی مطبوعه‌ای نیز در آن شهر تأسیس کرده بود. برخی از کتاب‌های مرتبط با خلیج فارس در این مطبوعه به چاپ رسیده‌اند، از جمله کتاب *منحصر تاریخ بصره* تألیف میرزا حسن خان نصری‌الوزاره است که در شماره ۱۲ از سال بیستم، روزنامه *حبل‌المتین* آن را معرفی کرده است.^{۱۷}

مؤیدالاسلام در روزنامه‌اش، بارها و بارها و به کرات درباره اهمیت خلیج فارس و سیاست‌های بیگانگان به ویژه بریتانیا هشدار داده است.^{۱۸} عمق اطلاعات وی جالب و پیش‌بینی‌هایش گاه شگفت است.^{۱۹}

تمام سرمقاله‌های مؤیدالاسلام درباره خلیج فارس به‌راستی خود یک کتاب است و قلم محکم و متین وی حکایت از سوز درونی یک ایرانی آگاه و وطن‌دوست می‌کند. به عنوان نمونه می‌نویسد:

«البته وافقان رموز سیاست از این دو عنوان کاملاً استنباط نکات سیاسی را خواهند نمود- وظیفه ما گفتن است، اگرچه می‌دانیم نشنیده و نخواهند شنید بلکه برای نشنیدن این سخنان بود که در ایران حبل‌المتین را توقیف نمودید و برای بلند نشدن همین صداها به لغت فارسی است که سعی می‌نمایند در کلکته نیز اداره حبل‌المتین مسدود شود همیشه گفته و باز هم می‌گوئیم، در آینده هم توفیق گفتن از خدا می‌خواهیم».^{۲۰}

همین روشنگری‌ها و حمله به سیاست‌های استعماری بریتانیا بود که باعث شد تا حبل‌المتین توسط حکومت انگلیسی هند گرفتار توقیف شود. این توقیف از ۱۲۹۵ش تا اوایل ۱۳۰۳ش به مدت هشت سال به طول انجامید.^{۲۱}

۲) مطبوعات بومی: بعد از حبل‌المتین، مطبوعات چاپ فارس و جنوب در این زمینه از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. در میان شهرهای ایالت فارس، طی دوران قاجاریه و پهلوی اول، دو شهر شیراز و بوشهر در امور سیاسی و فرهنگی، از جمله توجه به انتشار مطبوعات، همت و تلاش

بیشتری به خرج داده‌اند؛ تا اندازه‌ای که در تمام دوره قاجاریه در این ولایت تنها این دو شهر به چاپ روزنامه همت گماردند.^{۲۲}

اهمیت شیراز در تاریخ مطبوعات ایران از آنجا مشخص می‌شود که، پس از تهران و تبریز، سومین شهری بود که روزنامه در آن به چاپ رسید.^{۲۳} آمار روزنامه‌های شیراز در دوره ناصرالدین شاه، یک روزنامه؛ مظفرالدین شاه، دو روزنامه؛ محمدعلی شاه، پنج روزنامه؛ احمد شاه، بیست و شش روزنامه؛ و از کودتا تا تاج‌گذاری رضا شاه، بیست و چهار روزنامه است.^{۲۴} شمارگان روزنامه‌های فارسی در این دوره میان پانصد تا هزار نسخه بوده است.^{۲۵} نخستین روزنامه فکاهی ایران به نام طلوع^{۲۶} در بوشهر تولد یافت. در کتاب *صدسال مطبوعات بوشهر*، در این باره، چنین نوشته شده است:

«اگرچه بر اساس پژوهش‌های جدید انجام‌شده نخستین مجله فکاهی ایران *نامه فکاهی دروغ* نام داشته که به مدیریت میرزا احمد فیلی دوافروش در سال ۱۲۹۷ ق/ ۱۸۸۰م در مازندران منتشر شده است، اما از آنجایی که این مجله در تیراژ محدود برای خواص و دولتمردان چاپ می‌شده است می‌توان مجله *طلوع* را اولین نشریه فکاهی در تاریخ مطبوعات ایران تلقی کرد که به طور عام منتشر شده و تیراژ آن نیز نسبتاً زیاد بود.»^{۲۷}

روزنامه *مظفری* چاپ بوشهر نیز از جمله مطبوعات ارزشمند خطه جنوب است و می‌توان در مطالعات مربوط به خلیج فارس از آن بهره‌گیری کرد. *مظفری* در منطقه‌ای از خلیج فارس به طبع می‌رسید که، به سبب اهمیت ژئوپولیتیک خود و وجود دفاتر نمایندگی‌های کمپانی‌ها و حضور ماموران خارجی، این امکان را می‌یافت تا اخبار و تحلیل‌های مستندی از مسائل مربوط به خلیج فارس به دست دهد. *مظفری* ماهیتی ضد استبدادی و ضد استعمار بریتانیا داشت^{۲۸} و به همین دلیل چندین بار توقیف گردید. از آنجایی که *مظفری* مقارن با جنبش مشروطه‌خواهی در ایران به چاپ رسیده است، اطلاعات بسیار ارزنده‌ای را درباره تاریخ انقلاب مشروطیت در فارس به دست می‌دهد.



اما، در میان مطبوعات چاپ فارس، هیچ‌یک به اندازه/ستخر اهمیتی نخواهد داشت. این روزنامه به مدت سی سال به چاپ رسید که حکایت از تلاش و همت بنیان‌گذار آن، سید حسن استخر، می‌کند. صدر هاشمی در این باره می‌نویسد:

«برای یک کشور عقب‌مانده مانند کشور ایران، سی سال روزنامه‌نگاری کار بسیار مشکل و پرحتمی است. مدیر روزنامه باید خیلی فداکاری و از خودگذشتگی نشان بدهد تا بتواند مدت سی سال به حیات نامه‌نگاری خود ادامه بدهد.»^{۲۹}

اهمیت/ستخر در استمرار طولانی مدت آن است؛ چرا که اگر وقفه طولانی آن از ۱۳۰۶ تا ۱۳۲۱ش را کسر کنیم، استخر به مدت سی سال سیر تحولات جنوب ایران را در خود به یادگار نگاه داشته است. در بررسی روزنامه/ستخر باید در نظر داشت روش درج مطالب در آن خبری است، از همین رو در آن کمتر با مطالب مقاله مانند مواجه هستیم. اما از حیث اخبار مربوط به خلیج فارس، خواننده خود را با انبوهی از اطلاعات روبه‌رو خواهد دید. که البته بیشتر فراوانی مطالب روزنامه، مربوط به سال‌های پس از ۱۳۲۱ش است. شیوه گردانندگان/ستخر بیشتر بر پایه احتیاط بود تا تهور. به همین دلیل، جستجوی مطالب انتقادی و مقالات تند و آتشین علیه حکومت مرکزی و استعمار بریتانیا در آن امری بی‌هوده به نظر می‌رسد.

روزنامه دیگری که در شیراز به چاپ می‌رسید و از حیث مطالعه مسائل اجتماعی ولایات فارس، به عنوان مناطق کرانه‌ای و پس‌کرانه‌ای خلیج فارس، مفید به نظر می‌رسد، گلستان^{۳۰} است که مدت چهل و پنج سال دوام آورد و با رویکردی ملی در نگارش مطالب می‌تواند در مطالعات خلیج فارس حائز اهمیت باشد.

در اهمیت روزنامه‌های چاپ فارس و جنوب می‌توان به این نکته مهم اشاره کرد که این دست روزنامه‌ها به سبب نزدیکی رویدادها و حوادث خلیج فارس، در زمره منابع دست اول محسوب می‌شوند. به‌واقع آنچه در این روزنامه‌ها به رشته تحریر درآمده‌اند را می‌توان نزدیک‌ترین منبع به این جریان‌ها دانست. در مطالعه روزنامه‌های چاپ دیگر مناطق، حتماً باید در نظر داشت که تاریخ چاپ مطالبی که بدون ذکر تاریخ واقعه درج شده‌اند، می‌تواند گاه تا حدود یک ماه، پس

از زمان رخداد آن حادثه باشد. درحالی که تاریخ انتشار همین مطالب در روزنامه‌های چاپ جنوب ایران به فاصله بسیار اندکی از اصل رویداد بوده است.

نمونه قابل اشاره در این باره، مطلبی است از روزنامه جنوب^{۳۱} به تاریخ یکشنبه ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ق/۱۱ مارس ۱۹۱۱م، با عنوان «از بنادر می‌نویسند»، این مطلب مربوط به همان هفته و درخصوص اقدام کمپانی انگلیسی تلگراف بوشهر است که عین همان خبر با فاصله نسبتاً زیادی در روزنامه چهارم^{۳۲}، چاپ قاهره به تاریخ ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ق/ ۲ آوریل ۱۹۱۱م به چاپ رسیده است. نمونه‌های دیگری از این دست را نیز می‌توان ذکر کرد، برای مثال، اخبار مدرسه سعادت بوشهر ابتدا در روزنامه مظفری چاپ بوشهر منتشر می‌شده است و سپس از روی آن، مورد استفاده روزنامه‌های دیگر قرار می‌گرفته است. مطلبی را روزنامه مظفری بوشهر درباره «مدرسه مظفری سعادت» آورده که در اول شوال ۱۳۲۰ق/ اول ژانویه ۱۹۰۳م به چاپ رسیده است.^{۳۳} این مطلب، بدون اضافه و کم، متنی است که روزنامه حبل‌المتین با عنوان «مدرسه مظفری سعادت بوشهر» به تاریخ ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۲۰ق/ ۹ فوریه ۱۹۰۳م به دست چاپ سپرده است.^{۳۴}

با توجه به موارد متعددی از این دست، محقق در مطالعه مسائل مربوط به خلیج فارس، در میان مطبوعات دو نکته را باید در نظر داشته باشد:

الف) شرح رویدادها و تحلیل تحولات، پیش از ذکر در هریک از منابع تاریخ‌نگاری، ابتدا در مطبوعات متجلی می‌شوند. حتی مطبوعات برگزارش‌نویسی یا خاطرات روزانه نیز از حیث زمان چاپ مقدمند.

ب) مطبوعات با توجه به مکان چاپ و دوری و نزدیکی نسبت به حوادث و رویدادها، از جهت اولویت زمانی و دقت در ارائه مطالب با یکدیگر تفاوت دارند.

۳) مطبوعات چاپ خارج از ایران: سوی حبل‌المتین از دیگر کانون‌های مطبوعات فارسی زبان خارج ایران باید از کشور مصر یاد کرد. از آنجا که سرزمین مصر در انتقال تمدن اروپایی به جهان اسلام و ایران، به دلیل تماس مستقیم این کشور با جهان غرب، بعد از تهاجم نظامی ناپلئون و حضور نظامی انگلیسی‌ها در آنجا، پیشگام است، زمینه انتشار روزنامه در آن، چه به لحاظ فنی و صنعتی و هم به لحاظ فکری و اجتماعی، بیشتر فراهم بوده است.



از جمله روزنامه‌های معتبر و مشهور مصر می‌توان به حکمت^{۳۵}، ثریا^{۳۶}، پرورش^{۳۷}، چهره‌نما، کمال^{۳۸}، رستاخیز^{۳۹} و سودمند^{۴۰} اشاره کرد. اهمیت روزنامه‌های چاپ مصر، در ابتدا از جهت دسترسی‌شان به مطالب صحیح و موثق و سپس از لحاظ تأثیر اندیشه‌ها و جریان‌های فکری پدید آمده در مصر در دماغ اندیشمندان و روزنامه‌نگاران ایرانی آن روزگار است. بی‌شک تفکرات شبلی شمیل (۱۹۱۷-۱۸۵۰م)، روزنامه‌نویس و اندیشمند مصری که مقالات وی در مجله المقتطف شهرت دارد، همچنین حضور احیاگر اندیشه‌های اسلامی سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۳۱۴-۱۲۵۴ق) در مصر و تربیت نسلی از نواندیشان مسلمان چون شیخ محمد عبده، محمد رشید رضا و عبدالرحمن الکوکی، که حاصل تفکرات آنها در روزنامه‌های عروى الوتقى^{۴۱}، الوقایع المصریه^{۴۲}، المنار^{۴۳} و فرات^{۴۴} به زبان‌های عربی درج می‌شد، تأثیر عمیقی بر اندیشه فارسی‌نویسان مصر گذاشته است. از حیث مطالعات خلیج فارس، روزنامه‌های ثریا و چهره‌نما، اهمیت دارند. البته، در سایر روزنامه‌ها نیز مطالبی درباره خلیج فارس دیده می‌شود؛ از جمله هفته‌نامه پرورش تصویر دقیقی از ویرانی‌های بنادر خلیج فارس در عصر مظفری به دست می‌دهد^{۴۵} و حکمت از اقدامات مودبانه و سیاست‌های مغرضانه انگلیسی‌ها در محمره [خرمشهر] و بوشهر به درستی شکوه سر می‌کند.^{۴۶}

گذشته از مصر، استانبول نیز از کانون‌های با اهمیت روزنامه‌های خارج از ایران بوده‌اند. روزنامه اختر را باید نمونه شاخص این مقوله دانست. اختر نخستین روزنامه‌ای است که از سال ۱۲۹۲ق در خارج از کشور به دست چاپ و نشر سپرده شده است. علاوه بر استانبول قانون میرزا ملکم‌خان نیز در لندن به چاپ می‌رسید.

روزنامه‌های چاپ خارج از کشور از حیث سهولت و دسترسی به روزنامه‌های خارجی و منابع خبری بین‌المللی، بر روزنامه‌های چاپ داخل کشور برتری دارند.

درصد حجم مطالب و نزدیکی زمانی، درخصوص نقل اخبار بین‌المللی روزنامه‌های معتبری چون تایمز^{۴۷} انگلیسی، نوو ورمیای^{۴۸} روسی و، همچنین دیگر روزنامه‌های فرانسوی، عربی و ترکی در روزنامه‌های چاپ خارج کشور قابل توجه است. از این گذشته، خبرگزاری‌های جهانی، تازه‌ها به عرصه وجود گذاشته بودند و روزنامه‌ها استفاده‌های زیادی از

آنها می‌کردند. سه خبرگزاری عمده در دورهٔ موردنظر، خبرگزاری‌های فرانسوی هاواس^{۴۹}، آلمانی ولف^{۵۰}، و انگلیسی رویتر^{۵۱} بودند. پروین دربارهٔ خبرگزاری رویتر می‌نویسد: «بزرگترین حوزهٔ عمل را رویتر در اختیار داشت و به سبب امتداد فعالیتش تا هند و بهره‌گیری از شبکهٔ تلگرافی هندواروپ که از خاک ایران می‌گذشت، خبرپراکنی آن مورد استفاده ایرانیان نیز قرار می‌گرفت...»^{۵۲}.

اخبار از طریق خطوط تلگراف در اختیار روزنامه‌ها قرار می‌گرفت و اغلب آنها ستونی را به اخبار تلگرافی اختصاص می‌دادند.

۴) **مطبوعات چاپ آلمان:** یکی دیگر از کانون‌های مهم مطبوعات که در مطالعات خلیج فارس نیز به کار می‌آید، در آلمان قرار داشته است. مهاجرت تعداد زیادی از اندیشمندان و فعالان ایرانی از حدود سال ۱۹۱۵م، یعنی پس از آغاز جنگ جهانی اول، باعث انتشار روزنامه‌هایی در کشور آلمان به‌ویژه در مرکز تجمع ایرانیان، شهر برلین شد. سید حسن تقی‌زاده، محمدعلی جمال‌زاده، ابراهیم پورداود، غنی‌زاده، عزت‌الدوله هدایت، ابوالحسن علوی، ابراهیم‌زاده، کریم طاهرزاده، حسین کاظم‌زاده ایرانشهر، محمد قزوینی، مشفق کاشانی و ... از جمله ایرانیانی بودند که مقارن با این ایام در آلمان به سر می‌بردند.

در روزنامهٔ کاوه (دورهٔ جدید)، مطالبی چند دربارهٔ خلیج فارس و لزوم توجه سیاستمداران ایرانی به آن دیده می‌شود و، از آنجایی که این روزنامه طی مقالات مفصل به معایب و عملکرد دولت ایران پرداخته است، اشاراتی نیز به خلیج فارس دارد. نیز مجلهٔ *ایران‌شهر*، توجه خود را به فرهنگ و تمدن همچنین توسعهٔ آموزش و رفاه عمومی در خلیج فارس معطوف داشته است.^{۵۳} این دست روزنامه‌ها به سبب اینکه توسط دانشمندان ایرانی و نه صرفاً روزنامه‌نگاران پدید آمده‌اند، از نظر جنبه‌های تحلیلی از ارزش بیشتری برخوردارند؛ نمونه‌هایی از آنها در همین مجموعه آمده است.

بنابراین، مطبوعات چاپ خارج از کشور غالباً درک صحیح‌تر و تحلیل‌های عمیق‌تری نسبت به سیاست‌های قدرت‌های استعماری به‌ویژه روس و انگلیس دربارهٔ خلیج فارس داشته‌اند و از این حیث مطالب آنها مربوط به سیاست‌های جهانی قابل‌اعتنا تر است.



۵) **مطبوعات چاپ تهران:** آخرین جایگاه را می‌بایست در پایتخت جست‌وجو کرد. روزنامه‌هایی چون *وقایع/تفاهیم*، *دولت علیه ایران*، *ایران*، *اطلاعات* و... نگرش رسمی حکومت را نسبت به مسائل خلیج فارس منعکس می‌کرده‌اند. در این‌گونه روزنامه‌ها معمولاً اخبار نابه‌سامانی‌ها، تحلیل‌های مخالف با منافع دولت و مقالاتی که نقادانه به مسائل خلیج فارس پرداخته باشند کمتر به طبع رسیده‌اند. خواننده در جای‌جای این کتاب و، به عنوان نمونه، با مقایسه مطالب روزنامه‌های *ایران* یا *اطلاعات* با مطالب *حبل‌المتین* یا *چهره‌نما* به سهولت به این نکته دست خواهد یافت. اما هرگز نمی‌توان به این علت این مطالب را فاقد ارزش علمی دانست. در بررسی مطالب مربوط به خلیج فارس، روشن‌شدن رویکرد رسمی حکومت نسبت به مسائل مختلف این آبراهه قطعاً در حد خود با ارزش است؛ مانند مطالب *روزنامه اطلاعات* در مورد مسائل کلان سیاسی و مناقشات دولت رضاخان بر سر خط هوایی جنوب، خط تلگراف به هند، مسئله بحرین، موضوع پراهمیت جزایر سه‌گانه، خط مرزی ایران در اروندرود، و ...

این روزنامه‌ها جهت دانستن مصوبه‌های مجلس و هیئت دولت، تصمیم‌های سیاسی و اقتصادی رجال سیاسی و عقد قراردادهای رسمی می‌توانند مورد استفاده فراوان قرار گیرند.

نتیجه

این پژوهش حاصل گردآوری بیش از بیست هزار صفحه اطلاعات مربوط به خلیج فارس از میان روزنامه‌ها در قطع‌های مختلف است.

جایگاه مطبوعات در مطالعات خلیج فارس را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- مطبوعات، با پرداختن به موضوع خلیج فارس در عرصه‌های گوناگون، از جمله منابعی به‌شمار می‌روند که دارای عملکردی بین‌رشته‌ای هستند.

مقصود از عرصه‌های مختلف، ارائه مطالب در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. هریک از این حوزه‌ها نیز موضوعات متنوع فراوانی را در برمی‌گیرند.

۲- روزنامه‌های غیردولتی نوعی سند اجتماعی برای بررسی خلیج فارس و تاریخ ایران محسوب می‌شوند و می‌توانند پژوهشگر را، در مطالعه تاریخ، از مراجعه صرف به اسناد حکومتی رهایی

- بخشند و، همراه با سندهای اخیر، پژوهش‌های خلیج فارس را کامل کنند. از سوی دیگر روزنامه‌های دولتی به خوبی دربردارنده زاویه نگرش حکومت به مسایل خلیج فارس هستند.^۴
- ۳- مطبوعات، آیینۀ تحولات غیرسیاسی به‌ویژه اقتصادی^۵ و اجتماعی^۶ اند و تا حدودی کاستی‌های مطالعات خلیج فارس را در منابع دیگر جبران می‌کنند.
- ۴- در بررسی منابع تاریخی مرتبط با خلیج فارس، از انقلاب مشروطیت تا سقوط قاجاریه، با فقدان منابع مطالعاتی در این حوزه مواجهیم که، مطبوعات تا حدودی جانشین داده‌های آن سنخ مطالعات خواهند بود. روزنامه‌ها، با تنوع تحلیل و آرای گوناگون در مطالعات خلیج فارس، نظرگاه‌های گوناگون و گهگاه نوینی را مطرح می‌کنند و راهنمای پژوهشگر و خواننده خواهند بود.
- ۵- نزدیکی مطالب روزنامه‌ها با وقوع حوادث ارزش و سندیت خاصی به آنها می‌دهد.
- ۶- مطبوعات سلسله‌وار و بی‌وقفه، اطلاعات مربوط به خلیج فارس را، از یک‌صدوپنجاه سال پیش به این سو، بی‌کم و کاست در اختیار خواننده و پژوهشگر قرار می‌دهند. از این رو، به شکل بی‌مانندی مسیری از حوادث خلیج فارس را طی مدت پیش‌گفته ترسیم می‌کنند.
- ۷- مطبوعات سندی انکارناپذیر بر میزان وقوف، آگاهی و بیداری اندیشمندان ایرانی بر اهمیت و جایگاه ژئوپلیتیک خلیج فارس در جهان، سیاست‌های استعمارگران در رابطه با این آبراهه پراهمیت و تحولات و تغییرات خارجی و داخلی مؤثر بر آن است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای کارکرد و نقش مطبوعات در جهان نک آلبر، پیر، *مطبوعات*، صص ۳۷-۷؛ برای آگاهی از شکل‌گیری و تحولات مطبوعات در ایران نک قاسمی، سید فرید، *اولین‌های مطبوعات ایران*؛ کوئن، گوئل، *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران*؛ ذاکر حسین، عبدالرحیم، *مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*.
۲. وثوقی، محمد باقر، *تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار*، ص ۴۲۷.
۳. برای آگاهی بیشتر نک حسینی فسایی، میرزا حسن، *فارسانامه ناصری*، ص ۹۲ به بعد.
۴. برای آگاهی بیشتر نک سپهر، محمد تقی لسان‌الملک، *ناسخ‌التواریخ*، صص ۱۰۹۴-۱۰۹۲.
۵. برای آگاهی بیشتر نک آدمیت، فریدون، *امیرکبیر و ایران*، صص ۳۰۴-۳۰۲.
۶. برای آگاهی بیشتر نک قائم مقامی، جهانگیر، *بحرین و مسائل خلیج فارس*.
۷. برای آگاهی بیشتر نک سدیدالسلطنه، محمدعلی خان، *تاریخ مسقط و عمان، بحرین و قطر*، ص ۱۰ به بعد.



۸. مجتهدزاده، خلیج فارس، کشورها و مرزها، ص ۱۷۵.
۹. برای آگاهی بیشتر از مسائل ایران و بریتانیا در خلیج فارس طی این دوره نک زرگر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ص ۱۸۳ به بعد.
۱۰. برای آگاهی بیشتر از تحولات کرانه‌های جنوبی خلیج فارس در این دوره نک وثوقی، محمدباقر، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، فصل شانزدهم.
۱۱. برای آگاهی از روزنامه حبل‌المتین نک پروین، ناصرالدین، «روزنامه مقدس حبل‌المتین»، مجله ایران‌شناسی، س پنجم، ش ۳، پائیز ۱۳۷۲ ش/۱۹۹۲ م، صص ۴۹۳ - ۴۷۰.
۱۲. حبل‌المتین، س ۵، ش ۲۳، ص ۱۵.
۱۳. حبل‌المتین، ذی‌القعدة، ۱۶ شعبان ۱۳۱۵ ق/۱۰ ژانویه ۱۸۹۸، س ۵، ش ۹.
۱۴. پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، ج اول، صص ۳۰۲ - ۳۰۱.
۱۵. شرح زندگی مؤیدالسلام نک گلبن، محمد، «مؤیدالسلام کاشانی»، کلک، اسفند ۱۳۷۵ ش، ص ۸۴ صص ۲۹۴-۲۹۲.
۱۶. صدرهاشمی، تاریخ مطبوعات و جراید ایران، ج ۲، ص ۲۰۶.
۱۷. روزنامه حبل‌المتین، کلکته، ۱۰ اشوال ۱۳۳۰ ق/۹ سپتامبر ۱۹۱۲ م، س ۲۰، ش ۱۲، ص ۱۹.
۱۸. به‌عنوان نمونه نک روزنامه حبل‌المتین، کلکته، ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۱۶ ق/۱۵ آگوست ۱۸۹۸ م، س ۵، ش ۳۶، ص ۱۸.
۱۹. به‌عنوان نمونه نک روزنامه حبل‌المتین، کلکته، ۲۵ رجب ۱۳۲۳ ق/۲۵ سپتامبر ۱۹۰۵ م، س ۱۳، ش ۵، صص ۳-۱.
۲۰. روزنامه حبل‌المتین، کلکته، ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۳۲۱ ق/۱۴ سپتامبر ۱۹۰۳ م، س ۱۱، ش ۲، صص ۲۱-۱۸.
۲۱. صدرهاشمی، جلد ۱، ص ۲۰۴.
۲۲. رومی، تاریخ مطبوعات فارس (دوره قاجار)، ص ۱۱.
۲۳. همان، ص ۱۲.
۲۴. همان.
۲۵. همان، ص ۱۳.
۲۶. طلوع، نخستین روزنامه محلی و مستقل شهر بوشهر بود که با مدیریت عبدالحمیدخان ثقفی، ملقب به متین‌السلطنه، در اوایل سال ۱۳۱۸ ق/۱۹۰۰ م آغاز به کار کرد، اما مدت انتشار آن زمان زیادی دوام نیافت.
۲۷. یاحسینی، مطبوعات بوشهر رکنی اساسی در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران، ص ۳۲.
۲۸. رومی، تاریخ مطبوعات فارس (دوره قاجار)، ص ۳۲.
۲۹. صدرهاشمی، ج ۱، ص ۱۵۵.
۳۰. یکی از ماندگارترین روزنامه‌ها در تاریخ مطبوعات ایران به شمار می رود سید محمدتقی گلستان، آن را در سال ۱۲۹۷ ش تأسیس کرد.
۳۱. روزنامه جنوب، بوشهر، ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ ق/۱۹۱۱ م، س اول، ش ۱۲، ص ۷.
۳۲. روزنامه چهارمنما، قاهره، غره ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ ق/۲ آوریل ۱۹۱۱ م، س ۸، ش ۶، ص ۱۲.
۳۳. روزنامه مظفری، بوشهر، غره شوال ۱۳۲۰ ق/ژانویه ۱۹۰۳ م، ش ۲۴، ص ۳۷۹.
۳۴. روزنامه حبل‌المتین، کلکته، ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۲۰ ق/۹ فوریه ۱۹۰۳ م، س ۱۰، ش ۱۷، صص ۱۵-۱۴.
۳۵. نخستین روزنامه فارسی زبان چاپ مصر در شهر قاهره با مدیریت میرزا مهدی‌خان زعیم الدوله از سال ۱۳۱۰ ق انتشار یافت.

۳۶. از سال ۱۳۱۸ ق توسط میرزا علی محمدخان کاشانی، مدیر روزنامه‌تُریا در مصر به چاپ رسید.
۳۷. این روزنامه در شهر قاهره، به زبان فارسی و به مدیریت میرزا علیمحمد پرورش، تاسیس و شماره اول آن در تاریخ ۱۰ صفر ۱۳۱۸ق/۸ ژوئن ۱۹۰۰م به چاپ رسید.
۳۸. این روزنامه ابتدا توسط میرزا حسین طیب‌زاده در دهم رجب ۱۳۱۷در تبریز منتشر، سپس به سبب سخت‌گیری‌های حکومت مرکزی که منتهی به مهاجرت طیب‌زاده به مصر گردید طی سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۹ در قاهره به انتشار رسید.
۳۹. توسط عبدالله رازی در ۱۳۴۲ ق / ۱۳۰۲ ش به صورت ماهیانه در قاهره به چاپ رسید.
۴۰. روزنامه سودمند پس از تعطیل شدن رستاخیز توسط مدیر آن عبدالله رازی از سال ۱۳۰۵ مجموعاً ۲۴ شماره به انتشار رسید.
۴۱. روزنامه مشهور سید جمال بود که در تاریخ ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۰۱ / ۱۳ مارس ۱۸۸۳ م منتشر شد و نشر آن تا هجده شماره دوام یافت، آخرین شماره آن در ۲۶ ذی‌الحجه همان سال / سپتامبر ۱۸۸۴م به چاپ رسید.
۴۲. روزنامه معروف مصری که شیخ محمد عبده سردبیری آن را عهده داشت.
۴۳. روزنامه تجددطلبی که توسط محمدرشیدرضا در سال ۱۳۱۵ ق/۱۸۹۸م در قاهره به چاپ رسید و انتشار آن سی و پنج سال مداوم به طول انجامید.
۴۴. روزنامه رسمی کشور سوریه که به زبان‌های عربی و ترکی به چاپ می‌رسید و الکوکی مدتی عضو تحریریه آن بود، الکوکی خود بنیان‌گذار نخستین روزنامه شهر حلب به نام شهباء گردید.
۴۵. پرورش، قاهره، ۲۶ رجب ۱۳۱۸ ق، ش ۲۲، ص ۶.
۴۶. حکمت، قاهره، ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۱۷ ق، ش ۲۷۰، ص ۷.

47. Times
48. Novoe Veremya
49. Havas
50. Wolff
51. Reuter

۵۲. پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، ج ۲، ص ۷۳۵.
۵۳. برای آگاهی بیشتر نک بهنام، جمشید، برلنی‌ها، ۱۳۷۹.
۵۴. بهترین نمونه روزنامه دولتی ایران و اطلاعات است.
۵۵. برای نمونه مطالب اقتصادی نک روزنامه‌تُریا، قاهره، ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۱۸ق/۲۵ اگوست ۱۹۰۰م، س ۲، ش ۳۴، صص ۹-۷.
۵۶. برای نمونه مطالب اجتماعی نک روزنامه خلیج/یران، بوشهر، ۲۰ آذر ۱۳۰۹/۱۱ دسامبر ۱۹۳۰م، س ۲، ش ۴-۳، صص ۲-۱.

منابع

- آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱.
- آلبر پیر، تاریخ مطبوعات جهان، ترجمه هوشنگ فرخجسته، انتشارات پاسارگاد، تهران، ۱۳۶۳.
- آلبر، پیر، مطبوعات، ترجمه فضل‌الله جلوه، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
- بهنام، جمشید، برلنی‌ها: اندیشمندان ایرانی در برلن ۱۹۱۵-۱۹۳۰، نشر و پژوهش فرزانه روز، تهران، ۱۳۷۹.



- پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان، مرکز نشر دانشگاهی، دوره ۲ جلدی تهران، ۱۳۷۷.
- حسینی فسایی، حسن، فارسنامه ناصری، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، امیرکبیر، دوره دوجلدی، تهران، ۱۳۶۷.
- حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، تصحیح دکتر رستگار حسینی فسایی، تهران، دوره ۲ جلدی، ۱۳۶۷.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۸.
- رومی، سیروس، تاریخ مطبوعات فارس (دوره قاجار)، بنیاد فارس شناسی، شیراز، ۱۳۸۳.
- زرگر، علی‌اصغر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ترجمه کاوه بیات، انتشارات پروین و معین، تهران، ۱۳۷۲.
- سپهر، محمدتقی لسان‌الملک، ناسخ‌التواریخ، به اهتمام جمشید کیان فر، اساطیر، تهران، ۱۳۷۷.
- سدیدالسلطنه، محمدعلی‌خان، تاریخ مسقط و عمان، بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، تصحیح و تحشیه احمد اقتداری، دنیای کتاب، ۱۳۷۰.
- صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، انتشارات کمال، دوره چهارجلدی در دوره مجلد، اصفهان ۱۳۶۳.
- قائم‌مقامی، جهانگیر، بحرین و مسائل خلیج فارس، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۴۱.
- قاسمی، سید فرید، اولین‌های مطبوعات ایران، تهران، ۱۳۸۳.
- کوئن، گوئل، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۰.
- گلین، محمد، «مؤیدالاسلام کاشانی»، کلک، اسفند ۱۳۷۵ش، ش ۸۴.
- مجتهد زاده، پیروز، خلیج فارس، کشورها و مرزها، انتشارات عطایی، تهران، ۱۳۷۹.
- وثوقی، محمداقبر، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، سمت، تهران، ۱۳۸۴.
- یاحسینی، سید قاسم، مطبوعات بوشهر رکنی اساسی در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر، بوشهر، ۱۳۷۴.

روزنامه‌ها

- پرورش، قاهره
- ثریا، قاهره
- جنوب، بوشهر
- چهره‌نما، قاهره
- حبل‌المتین، کلکته
- حکمت، قاهره
- خلیج ایران، بوشهر
- مظفری، بوشهر